



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af 1515

د افغانستان د بهرنیو چارو وزارت:
د پاکستان توغندیزي حملو دوام
به اړیکې لا ترینګلي کړي



صفحه ۶



وزارت صحت عامه:
بیش از ۹۰۰ هزار کودک در افغانستان معتاد هستند

صفحه ۳

قدرت نمایی
طالبان در کندز



صفحه ۶

رسالت روشن فکران جامعه پشتون
در برابر طالبان چیست؟

Hafiz Barakzai
Aug 25 at 9:19pm • Kabul, Afghanistan •

مور د امیر المؤمنین المجاهد فی سبیل الله ملا محمد عمر مجاهد جسد د بیا غلی
لپاره په شانداره مراسمو دفن کول غواړو. #پرولسمشره_پغ
#بچه_انګلیس_وسقاو

144 20 Comments 2 Shares

صفحه ۶



سرنوشت نامعلوم وزیران
سلب صلاحیت شده

صفحه ۲

اعتصاب شرکت های مسافری
در کابل وارد دومین روز خود شد



صفحه ۳

حکم جلب جنرال دوستم صادر شد
امریکا:
شگفت زده شده ایم



صفحه ۶

احمد عمران



سخن ماندگار

بودجه سالانه

مشکلی که حل نشد

در حالیکه دولت همه ساله از تطبیق نشدن بودیجه‌های انکشافی شکایت می‌کند و امسال مجلس نماینده‌گان هفت وزیر را به همین دلیل رای عدم اعتماد داد اما اصل مشکل که چگونه‌گی ترتیب و تنظیم بودیجه است، به حال خودش باقی است. امسال در اول سال مالی، بودیجه سال ۱۳۹۶ به ولسی جرگه یا مجلس نماینده‌گان فرستاده شد اما به دلیل مشکلاتی که مثل گذشته در آن بوده با اکثریت قاطع آرا رد شده است. همه ساله این نزاع میان وزارت مالیه و مجلس وجود دارد و این خود به یک معامله تکراری و حل نشده تبدیل شده است در عین حال اکثریت آگاهان می‌گویند که یکی از دلایلی اصلی مصرف نشدن بودیجه‌های انکشافی در نهادهای دولتی، رویه غلطی است که در وزارت مالیه برای ارایه بودیجه روی دست دارد و سال‌هاست آن را تکرار می‌کند؛ اما با آنهمه، مشکلات بودیجه سالانه به مراتب در حال افزایش است. از اشتباهات تخنیکی تا سلیقه‌های سیاسی و قومی در وضع کردن بودیجه، همیشه بودیجه یکی از مشکلات اصلی در تدوین بودیجه است و همه ساله مطرح می‌شود. نبود توازن در بودجه ملی و نگاه تبعیض آمیز به مساله از انتقادات همیشه‌گی نماینده‌گان مجلس بر بودیجه است. همچنان به گفته منتقدان اولویت‌های اعلام شده دولت و پروژه‌های مهم سال‌هاست که در بودجه ملی کنار زده می‌شوند. نبود عدالت نیز در همه طرح‌های بودجه در سال‌های گذشته حس شده است و اقدام عملی برای تامین عدالت در توزیع سرمایه و منابع به طور مساوی برای همه شهروندان کشور صورت نگرفته است.

پارلمان نیز هر ساله به نحوی بار دیگر بودیجه رد کرده خودش را با ایجاد هیچ تغییر لازمی دوباره تأیید کرده است و این خودش نشان می‌دهد که توجه این مرجع به بحث بودجه نیز زیاد مبتنی بر نگاه لازم و مسوولیت پذیرانه نیست. از طرف دیگر دست به دست شدن بودیجه و زمان‌گیر شدن آن و حتا اجرای دیروقت آن کار را برای اداره‌های دولتی مشکل کرده و نهادها را بی‌کاره و باطل بار آورده است. بنابراین بارها پیشنهاد کردیم که باید رویه‌ها در ترتیب و تنظیم بودیجه تغییر کنند و یک بار دیگر پیشنهاد می‌کنیم که باید بودیجه سالانه، حد اقل یک ماه پیش از آغاز سال مالی به مجلس ارایه شود تا خلاهای آن بررسی و در آغاز سال مالی به تصویب برسد. زیرا اصلاح بودیجه بر بنیاد سنجش‌های تخنیکی و مطالعات امکان مصرف، زمان گیر است.

اما مجلس نماینده‌گان مسوولیت دارد تا زمانی که این بودیجه به شکل لازم اصلاح نشود آن را تصویب نکنند و باید فشارهای لازم را بر وزارت مالیه وارد کند تا بودیجه به گونه درست آن تهیه شود. اما زمانی که گزارش‌هایی از باج‌دهی وزارت مالیه به نماینده‌های مجلس را می‌شنویم، داستان رنگ دیگری به خود می‌گیرد و پای معامله جای معادله را پر می‌کند. هم وزارت مالیه و هم پارلمان کشور از بودیجه میدان منافع شخصی می‌سازند و منافع عمومی را فدای آن می‌کنند. در عین حال انتظار مردم این است که هم وزارت مالیه و هم مجلس نماینده‌گان بودیجه را با درک وضعیت و نیازمندی‌های کشور و مردم مورد توجه قرار دهند و رویه‌هایی موثر و مطلوبی که در جهان پیرامون وجود دارد را برای تدوین بودیجه اتخاذ کنند تا مشکل همیشه‌گی دولت و مجلس و در نهایت این مشکل کشور حل شود.

سرنوشت نامعلوم وزیران سلب صلاحیت شده

هرچند تا هنوز موضع رسمی دادگاه عالی در مورد وزیران سلب صلاحیت شده که سرنوشت آن‌ها را مشخص می‌سازد، اعلام نشده؛ ولی برخی اعضای مجلس نماینده‌گان می‌گویند که متابعی در دادگاه عالی به آن‌ها گفته‌اند که این نهاد بر فیصله مجلس مهر تأیید زده است. اگر چنین خبری واقعاً درست باشد، به این صورت می‌توان گفت که ادامه کار هفت وزیر سلب صلاحیت شده، به پایان رسیده و باید منتظر بود که به جای آن‌ها افراد دیگری از سوی ریاست جمهوری به مجلس برای کسب رای اعتماد معرفی شوند. اما پرسش این‌جاست که چگونه دادگاه عالی نخواست خلاف خواست مجلس نماینده‌گان، رای دیگری در مورد وزرای سلب صلاحیت شده، ارایه کند. چند مورد در این میان برجسته می‌نماید:

(۱) به نظر می‌رسد که دادگاه عالی نخواست خود را در تقابل با قوه مقننه قرار دهد و به جنجال موجود دامن بزند. این پیش‌فرض با توجه به موضع‌گیری‌های قبلی این نهاد هرچند زیاد نزدیک به واقعیت نمی‌نماید، ولی کاملاً هم بعید به نظر نمی‌رسد که قوه قضاییه نخواست باشد بارد تصمیم مجلس نماینده‌گان، تنش‌های موجود در دولت را افزایش دهد. این‌که چه باعث شد شماری از وزیران رد صلاحیت شوند و شماری دیگر حتا بدون حضور در نشست استیضاح مجلس، رای تأیید بگیرند، هنوز در هاله‌یی از ابهام قرار دارد؛ ولی مشخص است که موارد دیگری نیز برای قوه قضاییه مطرح بوده که چنین تصمیمی گرفته است.

(۲) تفسیر قانون اساسی، از وظایف اصلی دادگاه عالی نیست و اگر در این خصوص مشکلی ایجاد شود، نهادهای دیگری هستند که می‌توانند قانون را تفسیر کنند. به گونه مثال، کمیسیون نظارت بر اجرای قانون اساسی، خیلی مستعدتر از دادگاه عالی است که از قانون تفسیر ارایه کند. اما این که چرا ریاست جمهوری نخواست به جای این کمیسیون، تفسیر ماده‌های ۹۱ و ۹۲ قانون اساسی را به دادگاه عالی بسپارد تا در پرتو آن، سرنوشت وزیری سلب صلاحیت شده را مشخص کند، خود جای سوال دارد. از آغاز مشخص بود که ریاست جمهوری نسبت به سلب صلاحیت وزیران چندان ناخشنود به

نظر نمی‌رسد ولی برای این که بتواند موقف خود را در قبال وزیران بی‌طرفانه نشان دهد، تلاش کرده که وظیفه تفسیر قانون اساسی را به عهده دادگاه عالی بگذارد. به این صورت، ضمن این که به خواست اصلی خود که ممکن است همان تصمیم مجلس نماینده‌گان باشد، با هزینه کمتری می‌رسد، خود را نیز از مظان اتهام به دور نگه می‌دارد.

(۳) ماده‌های ۹۱ و ۹۲ قانون اساسی آن گونه که ریاست جمهوری فکر می‌کند، آن قدر ابهام‌آمیز نیستند که به تفسیر نیاز داشته باشند. شاید در مواردی، قانون اساسی افغانستان نیازمند تفسیر و توجیه باشد؛ ولی حداقل در این مورد کاملاً نص آن مشخص و قابل فهم است. این مساله بارها از طریق مجلس نماینده‌گان و برخی کارشناسان حقوقی، وضاحت یافت و حتا ارایه تفسیر از این دو ماده قانون، نوعی مداخله در امور مختص به پارلمان کشور توصیف شد. بر این اساس، منطقی به نظر می‌رسد که دادگاه عالی نخواست به تفسیر از این دو ماده قانون، نوعی مداخله در امور مختص به پارلمان کشور توصیف شود. بر این اساس، منطقی به نظر می‌رسد که دادگاه عالی نخواست به استیضاح خود را در موقعیتی قرار دهد که نسبت به استقلال و آزادی آن تردید به وجود آید.

(۴) پیش‌فرض چهارم اما این می‌تواند باشد که آنچه در مجلس اتفاق افتاد و آنچه که حالا در مورد وزیران سلب صلاحیت شده اتفاق می‌افتد، از سوی یک منبع مدیریت و هدایت می‌شود؛ ولی از آنجایی که این منبع در موقعیت ویژه قرار دارد، نمی‌خواهد به ساده‌گی به تله بیفتد و خود را در معرض نقد و نظریه منفی بگذارد. به نظر نمی‌رسد که وزیران سلب صلاحیت شده، بدون یک برنامه از قبل طراحی شده، چنین مورد بی‌مهری مجلس نماینده‌گان قرار گرفته باشند. آن‌هم مجلسی که خود با ده‌ها مشکل قانونی روبه‌روست و همین حالا هیچ ماده و بند قانون اساسی و قوانین دیگر کشور ادامه کار آن را مشروع نمی‌داند. پس چگونه شد که این نهاد با همه این مشکلات، به صورت جمعی تعداد معینی از وزیران را سلب صلاحیت کرد؟

(۵) و اما آخرین مساله در مورد قضیه وزیران سلب صلاحیت شده این‌که: یک بار دیگر کابینه دولت وحدت ملی از هم پاشید و همان‌گونه که این کابینه از آغاز تشکیل این

(۳) ماده‌های ۹۱ و ۹۲ قانون اساسی آن گونه که ریاست جمهوری فکر می‌کند، آن قدر ابهام‌آمیز نیستند که به تفسیر نیاز داشته باشند. شاید در مواردی، قانون اساسی افغانستان نیازمند تفسیر و توجیه باشد؛ ولی حداقل در این مورد کاملاً نص آن مشخص و قابل فهم است. این مساله بارها از طریق مجلس نماینده‌گان و برخی کارشناسان حقوقی، وضاحت یافت و حتا ارایه تفسیر از این دو ماده قانون، نوعی مداخله در امور مختص به پارلمان کشور توصیف شد. بر این اساس، منطقی به نظر می‌رسد که دادگاه عالی نخواست به تفسیر از این دو ماده قانون، نوعی مداخله در امور مختص به پارلمان کشور توصیف شود. بر این اساس، منطقی به نظر می‌رسد که دادگاه عالی نخواست به استیضاح خود را در موقعیتی قرار دهد که نسبت به استقلال و آزادی آن تردید به وجود آید.

(۴) پیش‌فرض چهارم اما این می‌تواند باشد که آنچه در مجلس اتفاق افتاد و آنچه که حالا در مورد وزیران سلب صلاحیت شده اتفاق می‌افتد، از سوی یک منبع مدیریت و هدایت می‌شود؛ ولی از آنجایی که این منبع در موقعیت ویژه قرار دارد، نمی‌خواهد به ساده‌گی به تله بیفتد و خود را در معرض نقد و نظریه منفی بگذارد.

حکومت به صورت نهایی شکل نگرفت، حالا نیز به همان سرنوشت پیشین خود دچار شده است. این که چه زمانی ریاست جمهوری و ریاست اجرایی موفق خواهند شد در مورد معرفی وزیران تازه به نتیجه برسند، خود یک مشکل کلان می‌تواند باشد. اما در این هم شکی نیست که بیشترین سود از وضعیت به وجود آمده در حال حاضر نصیب ارگ ریاست جمهوری شده است. این نهاد با خالی کردن برخی وزارتخانه‌ها عملاً راه را برای پر کردن آن‌ها بر اساس برخی تفاهم‌های آشکار و پنهان با جناح‌ها و احزابی که با آن‌ها پیمان عقد کرده، فراهم می‌سازد. اما تا آن زمان، باید منتظر بود و دید که وضعیت چگونه پیش خواهد رفت.

مجیدی
وزارت صحت عامه:

بیش از ۹۰۰ هزار کودک در افغانستان معتاد هستند



این مرکز برای تداوی خانم‌های معتاد و اطفال که آینده این کشور هستند بسیار مفید است.

وزیر صحت عامه می‌افزاید: در حال حاضر بیش از سه میلیون تن در کشور معتاد به مواد مخدر می‌باشند که مبارزه با این پدیده یک امر بین‌السنکوری بوده و لازم است، نهادهای مسوول در امر کاهش مواد مخدر و تقاضای آن دست به دست هم داده تا میزان عرضه و مبتلایان به اعتیاد مواد مخدر را به حداقل برسانیم.

وزارت صحت عامه در طی یک سال گذشته، بیشتر از ۱۸ هزار و ۲۴۱ تن معتاد به مواد مخدر را تحت تداوی قرار داده و برای ۷۶ هزار و ۵۶۷ تن که در معرض اعتیاد به مواد خدر قرار دارند، خدمات آگاهی‌دهی ارائه کرده است که در حال حاضر، ۱۰۹ مرکز تداوی معتادین مواد مخدر در کشور وجود دارد.

وزیر صحت می‌گوید که در این مرکز به کودکان آموزش داده می‌شود و برای بانوان نیز برنامه‌های وقایع‌یابی روی دست گرفته شده است.

آقای فیروز می‌گوید، تا زمانی کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان موجود باشد، هرگونه مبارزه در برابر این پدیده نتیجه‌ی مثبت در پی نخواهد داشت.

وزیر صحت روی جلوگیری و درمان معتادان در کشور تأکید کرد، اما گفت که باید همه مردم، علما، رسانه‌ها و حکومت برای محو و از بین بردن این پدیده شوم دست به دست هم داده و در برابر این پدیده مبارزه کنند.

هم‌چنان سلامت عظیمی، وزیر وزارت مبارزه با مواد مخدر نیز تأکید کرد که

مشکل مواد مخدر در افغانستان مشکل جهانی بوده و تا زمانی که کشورهای جامعه جهانی برای محو آن اقدام نکنند، افغانستان به تنهایی موفق به این کار نخواهد شد.

بانو عظیمی گفت که این وزارت با همکاری وزارت خانه‌های دیگر برنامه دارد که تعداد مراکز درمانی معتادان در سراسر کشور افزایش داده و تعداد زیادی از معتادان را از سطح شهرها جمع‌آوری کند.

نسرین اوریاخیل، سرپرست وزارت کار و امور اجتماعی نیز گفت که اکثریت مردم به‌خاطر بیکاری، معتاد به مواد مخدر شدند. او گفت که برای جلوگیری کسانی که پس از درمان دوباره به مواد مخدر روی می‌آورند، باید برنامه‌های کاریابی روی دست گرفته شود.

در سویی دیگر، رولاغنی، بانوی اول کشور که در ساخت این شفاخانه نیز سهیم است، در پیامی گفت که جنگ و ناامنی‌های فعلی در افغانستان ناشی از مواد مخدر می‌باشند. خانم غنی در پیام خود از علما و رسانه‌ها خواست که از اضرار مواد مخدر به مردم آگاهی‌دهی کرده و ده‌اقلین را برای کشت بدیل تریاک در کشور تشویق کنند.

گفتنی است که در حال حاضر در سراسر افغانستان ۱۰۹ مرکز تداوی معتادین وجود دارند. مسوولان در وزارت صحت گفته‌اند که از مجموع جمعیت افغانستان، ۱۱ درصد آن را معتادان مصاب به مواد مخدر تشکیل می‌دهند.

به گفته مسوولان، در سال گذشته میلادی شمار مصرف‌کننده‌گان مواد مخدر به طور اوسط از ۲۰۹ الی ۳۰۶ میلیون تن بوده است.

وزارت صحت عامه، شمار زنان و کودکانی که به مواد مخدر معتاد هستند را بیش از ۹۰۰ هزار نفر اعلام کرده است. هم‌زمان با این، به روز پنج‌شنبه هفته گذشته، یک بیمارستان برای درمان زنان و کودکان معتاد به مواد مخدر در غرب کابل در ساحه کوه سنگی به ظرفیت ۱۵۰ بستر از سوی وزارت‌های مبارزه با مواد مخدر، صحت عامه و کار و امور اجتماعی افتتاح شد.

این مرکز ۱۵۰ بستری در حالی افتتاح شد که وزارت صحت عامه در طی یک سال گذشته، بیشتر از ۱۸ هزار و ۲۴۱ تن معتاد به مواد مخدر را تحت تداوی قرار داده و برای ۷۶ هزار و ۵۶۷ تن که در معرض اعتیاد به مواد مخدر خدمات آگاهی‌دهی کرده است.

مسوولان در وزارت صحت عامه گفته‌اند که این مرکز در بخش‌های آگاهی‌دهی در مورد اضرار مواد مخدر، مشوره‌دهی معتادان مواد مخدر، تداوی معتادان مواد مخدر، احیای مجدد معتادان تداوی شده، دایر کردن کورس‌های سوادآموزی برای خانم‌ها و اطفال در جریان بستر، خدمات سرگرمی برای اطفال شامل بستر و تعقیب معتادان تداوی در جامعه خدمات ارائه می‌کند.

فیروز الدین فیروز، وزیر صحت عامه می‌گوید که در حال حاضر سه میلیون تن در افغانستان معتاد به مواد مخدر می‌باشند که از این میان، صد هزار آن کودکان و حدود هشت صد هزار تن دیگر زنان می‌باشند.

وزیر صحت عامه خاطر نشان می‌کند: "یک صد هزار کودک و ۶۵۰ تا ۸۰۰ هزار نفر خانم‌ها معتاد به مواد مخدر هستند و

اعتصاب شرکت‌های مسافربری
در کابل وارد دومین روز خود شد

اعتصاب کاری شرکت‌های مسافربری جاده کابل-هرات وارد دومین روز خود شد و مسوولان این شرکت‌ها خواستار رسیدگی دولت به مشکلات خود شده‌اند.

صدها بس (اتوبوس) در ترمینال غرب کابل، واقع در محله‌ای موسوم به "کمپنی" در اعتراض به آنچه که رانندگان و مالکان شرکت‌های مسافربری بی‌توجهی دولت نسبت به مشکلات خدمات مسافربری بین کابل و هرات می‌خوانند، پارک شده است.

بنیامین وردک، مسوول یکی از این شرکت‌ها روز جمعه (۳ جدی/دی) به بی‌بی‌سی گفت که "بی‌توجهی دولت" نسبت به خرابی جاده‌ها و عدم کنترل ترافیک در جاده‌ها باعث افزایش رویدادهای ترافیکی شده است.

آقای وردک تأکید کرد که در برابر خدماتی که شرکت‌های مسافربری به شهروندان ارائه می‌کنند، دولت کار درخوری برای بهبود سفر در جاده‌ها انجام نداده است.

او با اشاره به وضعیت بد ترمینال غرب کابل، که مسافران از آنجا به سوی مناطق جنوبی و غربی کشور سفر می‌کنند، گفت که این ترمینال محلی مناسبی نیست که انسان‌ها در آن اقامت کنند. یک راننده از اخاذی در جاده‌ها شکایت کرد و گفت که ماموران پلیس ترافیک، حمل و نقل، مبارزه با مواد مخدر و پلیس انتظامی در هر ایستی صد تا دوصد افغانی پول می‌گیرند.

مسافری گفت که به دلیل اعتصاب کاری مسوولان شرکت‌ها و رانندگان، مسافران منتظر حل شدن موضوع هستند و در حال حاضر هزارها مسافر برنامه خود را معلق کرده و هتل‌ها پر از مسافرنند.

محمدالله بتاش، وزیر حمل و نقل (ترانسپورت) افغانستان در دیدار با مالکان این شرکت‌ها گفته مشکل آنها را با اشرف غنی، رئیس جمهوری در میان خواهد گذاشت.

اما معترضان گفته‌اند تا زمانی که پاسخ قاطع از دولت نشنوند، به اعتصاب ادامه خواهند داد.

های جنوب و غرب کشور پارک شده است

اعتصاب کاری رانندگان و شرکت‌های مسافری در کابل پس از آن آغاز شد که در پی تصادف یک بس (اتوبوس) در با یک تانکر (نفت‌کش) در ولایت فراه در غرب افغانستان ۱۶ نفر کشته و ۳۲ نفر دیگر زخمی شدند.

دو هفته پیش به دنبال اعلام طرح وزارت حمل و نقل افغانستان برای مقابله با اخاذی در جاده‌ها، اتحادیه کامیون‌داران افغانستان اعتصاب کاری خود را لغو کرد.

دیدبان شفافیت افغانستان در گزارشی برآورد کرده که از حدود ۳ میلیارد دلاری که سالانه در افغانستان به عنوان "رشوه" پرداخت می‌شود، یک میلیارد آن در جاده‌ها از کامیون‌داران گرفته می‌شود. علاوه بر اخاذی، خرابی جاده، تخلفات جاده‌ای و ناامنی نیز باعث دشواری سفر و مسافرکشی در جاده‌های افغانستان شده است. در یک گزارش بی‌بی‌سی آمده که آمار تلفات جاده‌ای در این کشور برابر یک‌سوم تلفات غیرنظامیان در جنگ است. سازمان ملل در افغانستان میانگین تلفات غیرنظامیان در این کشور ۳۰۴۵ نفر بوده است که به این ترتیب، متوسط تلفات رویدادهای جاده‌ای سالانه به بیش از هزار نفر می‌رسد.



وزیر دفاع آلمان در بلخ:
نباید با عقب‌نشینی عجولانه دست آوردها را به خطر اندازیم

در ماه نومبر سال جاری میلادی شورشیان در افغانستان به سرکنسولگری آلمان در مزارشریف که تازه در سال ۲۰۱۳ افتتاح شده بود حمله کردند که طی آن شش نفر کشته و حدود ۱۲۸ نفر مجروح شدند.

فون در لاین با این حال از موفقیت‌ها در مبارزه با طالبان سخن گفته و گفت: طالبان اهداف خود در سال جاری را به دست نیاورده است.

وی افزود: ما می‌دانیم که صلح و آزادی امور بدیهی و مسلمی نیست. تمام جامعه جهانی باید قاطعانه با تروریسم مقابله کنند. ارتش آلمان حدود ۱۵ سال است که در افغانستان حضور دارد. عملیات جنگی ارتش آلمان در سال‌های اخیر به عملیات آموزشی و مشاوره تبدیل شده است. در حال حاضر حدود ۹۵۰ سرباز آلمانی در افغانستان حضور دارند که اکثر آنها در مزار شریف به سر می‌برند.

هفته گذشته پارلمان آلمان عملیات ارتش در افغانستان را برای مدت یک سال دیگر تمدید کرد.



خیلی چیزها به دست آمده است؛ ما نباید با عقب‌نشینی عجولانه این دست‌آوردها را به خطر بیندازیم.

بر اساس گزارش اخیر شورای امنیت سازمان ملل، افغانستان به خصوص از طرف نیروهای افراطی طالبان در معرض خطر ترور قرار دارد. شرایط امنیتی در سال جاری میلادی شدیداً در این کشور وخیم شده است. شمار درگیری‌های مسلحانه در این کشور نسبت به سال ۲۰۱۵ حدود ۲۲ درصد افزایش پیدا کرده است.

وزیر دفاع آلمان که برای دیدار با سربازان آلمانی به افغانستان سفر کرده بود درباره خروج سریع از کشور هشدار داد.

اورزولا فون در لاین، وزیر دفاع آلمان بعد از حمله یک کامیون به بازارچه کریسمس در برلین که منجر به کشته شدن ۱۲ نفر و تعداد زیادی مجروح شد در دیدار با سربازان آلمانی در افغانستان خواستار مبارزه قاطعانه با تروریسم شد.

وی هم‌چنان درباره خروج سریع از افغانستان هشدار داده و گفت: در افغانستان

بخش نهم



ترتیب‌کننده: ناحیه نوری

چکیده‌یی از سلسله‌نشست‌های مشورتی جوانان و آجندای ملی

یادداشت: کنفرانس «آجندای ملی» به رهبری احمدولی مسعود، سال‌هاست که به آدرسی برای رای‌زنی و چاره‌اندیشی میان نخبه‌گان و بزرگان کشور برای بیرون‌رفت افغانستان از نزاع‌ها و ناکامی‌های تاریخی تبدیل شده است. اما این آدرس مدنی اخیراً در ابتکاری تازه‌تر، دست به برگزاری سلسله‌نشست‌های مشورتی ماهوار و هفته‌وار با جوانان فعال و آگاه کشور برای بررسی اوضاع نگران‌کننده افغانستان و دریافت راه‌حل‌های علمی‌تر و به‌روزتر در سایه اهداف عالی آجندای ملی زده است. روزنامه ماندگار به حمایت از این فعالیت‌های ارزنده، این بخش از این صفحه‌خوش را به بازتاب چکیده‌گفته‌های جاری در این نشست‌ها اختصاص داده است. پس با ما همراه و همسفر باشید.

عبداله‌ادی میران: به باور من، دولت و نظام سیاسی یک جامعه، وضعیت فرهنگی آن جامعه را می‌سازند و به تناسب خدماتی که ارائه می‌کنند، بازتاب فرهنگی و فکری یک جامعه را به نمایش می‌گذارند. همین‌طور، قانون از یک‌سو نماد ظرفیت فرهنگی یک جامعه را به نمایش می‌گذارد و از جانب دیگر، نماد هوش و توسعه فکری یک جامعه را بیان می‌کند؛ اما رعایت قانون، بازتاب خرد جمعی یک جامعه است و جامعه‌یی که در آن قانون رعایت می‌شود و یک نظام قانون‌مند در آن حاکم است، در حقیقت خردمندی جامعه و ارایه خدمات به شهروندان را نمایش می‌دهد. اما متأسفانه در افغانستان خرد جمعی ما مورد سوال قرار دارد، بازتاب ظرفیت فرهنگی - اجتماعی ما مورد سوال است، ما باید اعتراف کنیم که در این جامعه فکر وجود ندارد، اهل اندیشه و تفکر بسیار کم است، تیراژ روزنامه‌های هشت صبح و ماندگار از هشت‌هزار نسخه بالا نیست، اما همین هشت‌هزار نسخه نیز در اختیار خواننده‌گان قرار نمی‌گیرد. در شهری که پنج میلیون جمعیت دارد، دوهزار روزنامه‌خوان نداریم، همین‌طور در ماه پنجاه جلد کتاب تولید نمی‌شود؛ بنابراین در جامعه‌یی که مطالعه وجود ندارد، خردمندی هم وجود ندارد. این مشکلات، مادر مشکلاتی است که ما امروز آن را تجربه می‌کنیم. در همین شهر کابل، شما هزاره‌ها را در یک نقطه می‌بینید، تاجیک‌ها را در نقطه‌یی دیگر، و پشتون‌ها را نیز در ساحه‌یی دیگر. اما تا کنون به دلیل کمبود اندیشه، کمتر کسی این پراکنده‌گی و تجزیه جغرافیایی بر اساس قوم را درک کرده و مورد توجه قرار داده است.

بنابراین، تا زمانی که ما در یک جغرافیای تجزیه‌شده زنده‌گی کنیم، چیزی به نام همگرایی وجود نخواهد داشت؛ پس اولین گام همگرایی فکری و اجتماعی، خویشاوندی ملی است. جوانان آگاه و نخبه می‌توانند مبلغ ترویج فرهنگ همگرایی باشند. اگر ما در این زمینه اثرگذار باشیم، آغازی می‌شود برای اقدامات بزرگ‌تری که منتج به تغییر بهینه ساختار سیاسی خواهد شد. احمدولی مسعود: همه گفت‌وگوها برای من بسیار آموزنده بودند، اما چند نکته را به عنوان جمع‌بندی مطرح می‌کنم و آن این‌که: بارها حامد کرزی به من پیشنهاد کرد که بیست و پنج درصد از رأی شما می‌دهم. من گفتم "کرزی صاحب اگر من را به عنوان مأمور انتخاب می‌کنی، باید بگویم که من مأمور خوبی نیستم؛ اما اگر مرا مانند خودت صاحب افغانستان می‌دانی، باید تصمیمات مشترک بگیریم و برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های مشترک داشته باشیم." مشکل ما با آقای کرزی زمانی شروع شد که مسوده قانون اساسی را آماد می‌کردیم، حرف ما این بود که مسوده مشکلات دارد و گفتیم نظامی را که شما می‌خواهید بیاورید، در افغانستان کاربرد ندارد و مشکلات زیادی را به بار خواهد آورد؛ زیرا شما به والی‌ها و شوراهای ولایتی صلاحیت قابل ملاحظه قایل نشده‌اید. اما نظر او این بود که اگر ما این کار را نکنیم، یک ولایت به تاجیکستان می‌رود، یکی به ایران و دیگری به اوزبیکستان می‌رود و مردم این‌گونه اند. ولی من می‌گفتم که این نظریه اشتباه است، یادتان باشد که در طول تاریخ این دولت‌ها بودند که همواره با خارجی‌ها یک‌جا شدند ولی مردم همواره از استقلال خود در برابر خارجی‌ها دفاع کرده‌اند. بنابراین شما به مردم اعتماد کنید و قدرت و صلاحیت به آن‌ها بدهید تا تعادل در تصمیم‌گیری برقرار شود. بعد از آن، آقای کرزی برادرش قیوم کرزی را فرستاد تا در تکت انتخاباتی او وارد میدان انتخابات شوم، اما من نپذیرفتم. بعد از آن گفت به عنوان وزیر خارجه، وزیر مخایرات و به همین ترتیب، تا دور جدید. ما طرح آجندای ملی را در سال ۲۰۰۳ به کرزی، خلیل‌زاد و اشرف‌غنی مطرح کردیم و گفتیم که امروز خارجی‌ها هستند و یک صلح نسبی برقرار است، اما فردا می‌روند؛ پس بیاید این طرح را بپذیرید تا خود مردم افغانستان بتوانند اختیارات کشور خویش شوند. ما بسیار تلاش کردیم اما نتیجه نداد تا این‌که در مرحله بعدی در انتخابات، ما طرح دولت وحدت ملی را دادیم و به دکتر صاحب عبدالله گفتیم که ما از شما حمایت می‌کنیم، یادتان باشد زمانی که شما به قدرت رسیدید، ما می‌خواهیم آجندای

ملی را به پیش ببریم و شما این طرح را حمایت کنید و در حقیقت، روی آن توافق نیز صورت گرفت. اما آن زمان به هر رو سپری شد. اکنون می‌خواهیم این مسوولیت را خود به عهده بگیریم به این خاطر که می‌دانیم تا زمانی که مردمان دلسوز، متحد و بانگیزه دست به کار نشوند، از این دولت کاری ساخته نیست. اگر ساخته بود، در طی دو سال باید صورت می‌گرفت. اصلاحات انتخاباتی و توزیع تذکره‌های برقی کار بسیار مشکلی نبودند ولی هیچ‌کدام انجام نشدند. اکنون صداها بلند شده؛ چنان‌که در سالروز شهادت قهرمان ملی، جنرال دوستم نیز گفت که یک قدم عقب‌نشینی از تطبیق توافق‌نامه، خیانت ملی است. بنابراین، آجندای ملی را یک چتر قرار می‌دهیم و نیروهای دیگر را به جمع‌شدن زیر آن دعوت می‌کنیم. ما از حمایت جنبش‌ها و مجاهدین و حضورشان در آجندای ملی خوشحال می‌شویم، اما هیچ‌وقت ما نمی‌خواهیم دنباله‌رو شخص و افراد باشیم. برای ما برنامه اولویت دارد، نه شخص. من نیز اولویت ندارم، بلکه برنامه آجندای ملی محور است و اولویت دارد. هر نیرویی که خواهد زیر چتر این برنامه بیاید، ما از آن استقبال می‌کنیم. در حقیقت، مبنای آجندای ملی گفتمان ملی بود؛ اما بعدها که مسأله قدرت، دولت و انتخابات به میان آمد، ما گفتیم که یک دیدگاه استراتژیک به قدرت و مسایل ملی داشته باشیم. حل معمای قدرت، یکی از اهداف و مشخصه‌های مهم آجندای ملی است که باید به آن پرداخته شود. پس نگاه ما به مسایل ملی، یک نگاه استراتژیک است، اما گفتمان نیز باید ادامه پیدا کند و مسایل قدرت نیز حل شوند. در حقیقت، ما به طرف ملت - دولت‌سازی می‌رویم. اما چتر آجندای ملی، تطبیق توافق‌نامه سیاسی و به‌خاطر تطبیق توافق‌نامه، اعلام فراخوان ملی و بسیج مردمی است و بعدتر، سازمان‌دهی شورای آجندای ملی. ما این کار را به ترتیب زیر انجام می‌دهیم:

- ۱- با نیروهای مختلف صحبت می‌کنیم؛
- ۲- تطبیق توافق‌نامه را در اولویت کارها قرار می‌دهیم؛
- ۳- به‌خاطر تطبیق توافق‌نامه، اعلام فراخوان می‌کنیم؛
- ۴- بسیج و حمایت مردمی را به دست می‌آوریم تا ذهنیت‌ها آماده شوند؛
- ۵- دوباره به سازمان‌دهی شورای آجندای ملی اقدام می‌کنیم.

بعداً ما با تکت‌تک شما تماس می‌گیریم و اگر موافقت داشتید، تشریف می‌آورید تا بیشتر روی برنامه و اهداف‌مان کار کنیم. ما تمام تلاش خود را می‌کنیم تا مینا و اساسی پیدا شود که به یک میثاق ملی دست یابیم.

بخش دوم

مرتضی ارشاد

در طرف مقابل، دنیای بزرگسالی قرار دارد که با ایجاد تفاوت‌هایی اساسی، خود را از دنیای کودک متمایز می‌کند؛ دنیای بزرگسال بر اساس بینش کل‌نگری و جزءنگری او در یک رابطه دیالکتیکی معنا می‌یابد که وی را ملزم می‌کند تا قدرت شناخت خویش را از محیط پیرامون فراتر برده و حتا محیط‌هایی را که بنا بر محدودیت زمانی و مکانی قادر به تجربه نیست، با حس تعقل درک نماید. منطق دنیای بزرگسال بر روی خردگرایی واقع شده و برای تمامی هستی خویش، قاعده‌یی مسلم تصور می‌کند که اگر افراد از آن تخطی کنند یا آن را نادیده گیرند، با مجازات‌های اجتماعی روبه‌رو می‌گردند. احساس به دانستن همه چیز، از انسان بزرگسال یک چهره پرنیاز می‌سازد که در مرحله اول سعی دارد همه‌چیز را بشناسد و در مرحله دوم می‌خواهد آن را به دست آورد. جهان‌بینی بزرگسال، اصالت هستی را بر چند پایه تصور می‌کند که با توجه به بحث این مطلب تنها به ذکر چند نمونه از آن بسنده می‌شود. اصالت هستی بر پایه منطق دیالکتیکی، اصالت بر پایه علوم مدرن، اصالت بر پایه بینش دینی و معنوی و اصالت بر پایه درک اومانستی از هستی، تنها نمونه‌یی از این تفکرات است. در کل، دنیای بزرگسالان دنیایی متکی بر منطق غیر قابل انعطاف و مطلق‌نگر است که تمامی امور در آن با جدیت کامل در جریان است. تفاوت‌ها و تناقض‌های میان این دو نگرش، این سوال را برای ما معین می‌کند که مگر این کودک با افزایش سن فیزیکی به همان بزرگسال تبدیل نمی‌شود؟! پس این ویژه‌گی‌های دوران خردسالی چه می‌شوند؟ در پاسخ به این سوال با رد نظر تطوری که معتقد است خصوصیات دوران کودکی با پیوستن کودک به بزرگسالان تغییر ماهیت داده و با تحول در سیر بینشی او به همان خصوصیات دنیای بزرگسالان تبدیل می‌شود، باید گفت که اعتقاد به این گزاره مانند این است که ما بگوییم در درک ما از زیبایی، یک پدیده زشت با تغییر زاویه دید ما به یک پدیده زیبا مبدل می‌شود. اعتقاد گذار از دنیای کودکان به دنیای بزرگسالان آن هنگام معنا می‌یابد که تشابهات این دو تصور بسیار بیشتر از وضعیت موجودشان باشد. نگارنده معتقد است تصور ما از دنیای کودک و بزرگسال، منوط به نوع بینش ایشان است. کودک با نگاه خویش به محیط بنا بر روحیه و شخصیت فرهنگی خود که هنوز توسط عقاید و اندیشه بزرگسالان شکل نگرفته، تنها به جلوه بیرونی واقعیت دست یافته و به رفع نیازهای اساسی خویش اقدام می‌نماید، در حالی که بزرگسال که در واقع همان کودک است و تنها کودکی خویش را از یاد برده، تحت تأثیر فرهنگی که در آن زنده‌گی می‌کرده و با توجه به پایگاه خانواده، مدرسه و جامعه، شخصیت اجتماعی‌اش شکل گرفته و با آموزش‌هایی که هر روزه در جامعه به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه می‌بیند، در جریان جامعه‌پذیری اجتماع واقع شده که به بازتولید اجتماعی تصور بزرگسالی منجر می‌شود. با توجه به این نکته که این دو دنیا تا حدودی برای یکدیگر غیر قابل فهم هستند و اهمیت این مطلب که این دو دنیا به‌صورت موازی در کنار یکدیگر وجود و جریان دارند، می‌بایست برای ارتباط متقابل میان بزرگسالان و کودکان یک جریان ایجاد شود که این دو دنیا را هم برای یکدیگر ملموس جلوه داده و هم پل ارتباطی ایشان با یکدیگر و با جهان بیرونی باشد.

عروسک!

به‌شابه اثره فرهنگی



سعدی شاعر شیرین سخن شیراز درباره روزگار و ناپایداری دنیا و این که دنیا طعمی شهدآلود ولی همراه با زهر ناب دارد، نظراتی خاص ارائه می دهد که در این مقاله کوتاه بدان پرداخته می شود. «جهان، زنده گی انسان، تلاش انسان بر روی کره خاکی، نتیجه و ثمره زنده گی انسان در این دنیا، مدت و طول عمر بشر و سایر مسایل نظیر این گونه موارد، اجل و چه گونه گی مرگ انسان، سفر و دنیای پس از مرگ و شرایط روح و جسم مادی، همه این مطالب پرسش و دغدغه انسان های متفکر بوده است. بسیاری از متفکران و شاعران حکیم یا حکیمان و عارفان شاعر، این موضوع که این همه تلاش، کوشش، کنکاش، جنگ و مقابله با افراد و با رویدادهای طبیعی، چه نتیجه و فایده یی برای انسان دارد و بشر در انتهای عمر خود چه عایدش می شود و چه چیزی توشه راه سفر بعد از مرگ وی است؟ عمری که زمان خاتمه و اتمام آن را هیچ کس نمی داند، چه گونه و با چه کیفیت و روشی باید سپری کرد؟ و موارد نظیر این ها، پرسش هایی زیادی در ذهن و تفکر خود داشته اند که بعضی از تفکرات و پرسش ها را در شعر خود منعکس نموده اند.» ۱

حکیمان، خردمندان و اندیشمندان پارسی زبان نیز مانند همه متفکران جهان، درباره نحوه تفکر انسان نسبت به روزگار و جهان و زنده گی بشر مطالب زیادی مطرح نموده، فکرها کرده و اندیشه های متفاوتی طرح کرده اند و «افکار خود را به نثر و نظم برای دیگران بیان کرده اند. اکثر شاعران پارسی گوی، در باره گذران بودن جهان، بی وفایی دنیا، پذیرش غم و شادی و دشواری و آسایش، فکر نکردن و آزردن نشدن در مورد آن چه که گذشته و مسایلی که هنوز روی نداده و برای فرداست، دنیا را چون مسافرخانه و کاروان سرایی دیدن که در آن نمی توان توقف چندانی کرد و بنا و عمارتی ایجاد نمود، دنیا را مقام مجازی و سراچه بازچه انگاشتن، تصور جهان چون گلی که ظاهراً زیباست ولی عمر کوتاه و ناپایدار دارد و توجه بدین مطلب داشتند که افراد عاقل و دوراندیش مانند میوه رسیده به شاخه های تعلقات دنیا نمی چسبند و بدان تعلق خاطر زیاد ندارند و به فکر جمع آوری مال و متاع دنیا، بیش از نیاز گذران عمر و روزمره نیستند.» ۲

خیام، حکیم، فیلسوف، ریاضی دان و شاعر سده پنجم، در باره طبع جهان و وضعیت دوام و بقای آن و تفکر و دیدگاهش نسبت به جهان، رباعی زیر را گفته است:
برخیز و مخور غم جهان گذران
خوش باش و به شادمانی گذران
در طبع جهان اگر وفایی بودی
نوبت به تو خود نیامدی از دگران
«وضعیت جهان، وجود انسان، عمر آدمی و مدتی که در روی زمین می گذرانند، ناپایداری عمر و بی اعتباری جهان، سعی تلاش انسان بر روی زمین، دشواری و آسایش و غم و شادی بشر در مدت عمر، کوتاه بودن مدت زنده گی بشر نسبت به عمر جهان هستی، همیشه مورد توجه و دقت نظر و به صورت پرسش بزرگی برای بشر بر روی زمین مطرح بوده و در باره این موضوعات تفکر و اندیشه می کرده است و برای خود بنیاد فکری ایجاد می کرده و بر اساس آن، حرکت و سعی و تلاشش را شکل می داده است.» ۳
سعدی نیز یکی از شاعران و سخن سرایان نامدار پارسی گوست که نسبت به طبع

جهان و وضعیت روزگار و نحوه دیدگاه انسان به عمر و تعلق خاطر به متاع و حطام دنیا، تفکری مانند حکیم خیام و سایر متفکران خوش سخن پارسی گو دارد.

سعدی نیز غنیمت شمردن امروز را سفارش می کند و تفکر و در مورد گذشته و نگرانی نسبت به آینده یی که نامعلوم است را نمی پسندد:

سعدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست

در میان این و آن، فرصت شمار امروز را سعدی مثال بدیع و جالبی در مورد عمر انسان دارد و می گوید که عمر چون گردویی است که بر گنبد مدوری قرار گرفته است و این گردو/چهارمغز ممکن است بر اثر باد یا تکان کوچکی از گنبد دوار روزگار فرو افتد، پس نباید بدان چندان دل بست:

منه دل بر سرای عمر، سعدی

که بر گنبد نخواهد ماند این گوز

این روزگار ناپایدار، ممکن است در ابتدا به انسان، روی خوش هم نشان بدهد، ولی انسان عاقل به این شیرینی و خوشی پای بند نمی شود؛ زیرا به هر حال و بی گمان جهان ناپایدار، همراه این شهد شیرین، زهر خودش را به انسان خواهد خوراند:

ز آسمان آغاز کارم سخت شیرین می نمود

کی گمان بردم که شهد آلوده زهر ناب داشت

سعدی، گر آسمان بشکر پرورد ترا چون می کشد به زهر، ندارد تفضلی

سعدی می گوید اگر انسانی متوجه بشود و بداند که دنیا و روزگار با غم به سر بردن ارزشی ندارد، با اطرافیان و دوستان، خوش می باشد و خرم زنده گی می کند. وقتی کسی به صورت قطعی می داند که هر روزی که می گذرد، یک روز از عمر و فرصت او در دنیا کم می شود، هر روز عمر را غنیمت می شمارد. هر کس باید آگاه و هوشیار باشد که روزگار و عمر با همه شیرینی و خوشی هایش، اساس و بنیاد محکمی ندارد و بالاخره روزی این بنای ناستوار فرو می ریزد، پس نباید بدان دل بست و ناستواری آن از یادمان برود. همچنین وقتی می دانیم که روزی نه چندان دور یا در زمانی که ما وقتش را نمی توانیم تعیین کنیم، طعمه خاک خواهیم شد، چرا باید غم بخوریم:

اگر دانی که دنیا غم نیرزد

به روی دوستان خوش باش و خرم غنیمت دان، اگر دانی که هر روز

ز عمر مانده روزی می شود کم

منه دل بر سرای عمر سعدی

که بنیادش نه بنیادی ست محکم

برو شادی کن، ای یار دل افروز

چو خاکت می خورد، چندین مخور غم

عقلم بلزد لختی، چند اختیار دانش؟

هوشم ببر زمانی، تا کی غم زمانه؟

سعدی، وفا نمی کند ایام سست مهر

این پنج روز عمر بیا تا وفا کنیم

خیام هم همین اعتقاد را داشت، حکیم نیشابور هم سفارش به طلییدن شادی می کرد چون آگاهانه می دانست که در مقابل کهکشان و گردون گردان، کل عمر بشر خوابی و خیالی، و حاصل عمر چون دمی است:

شادی بطلب که حاصل عمر دمی است

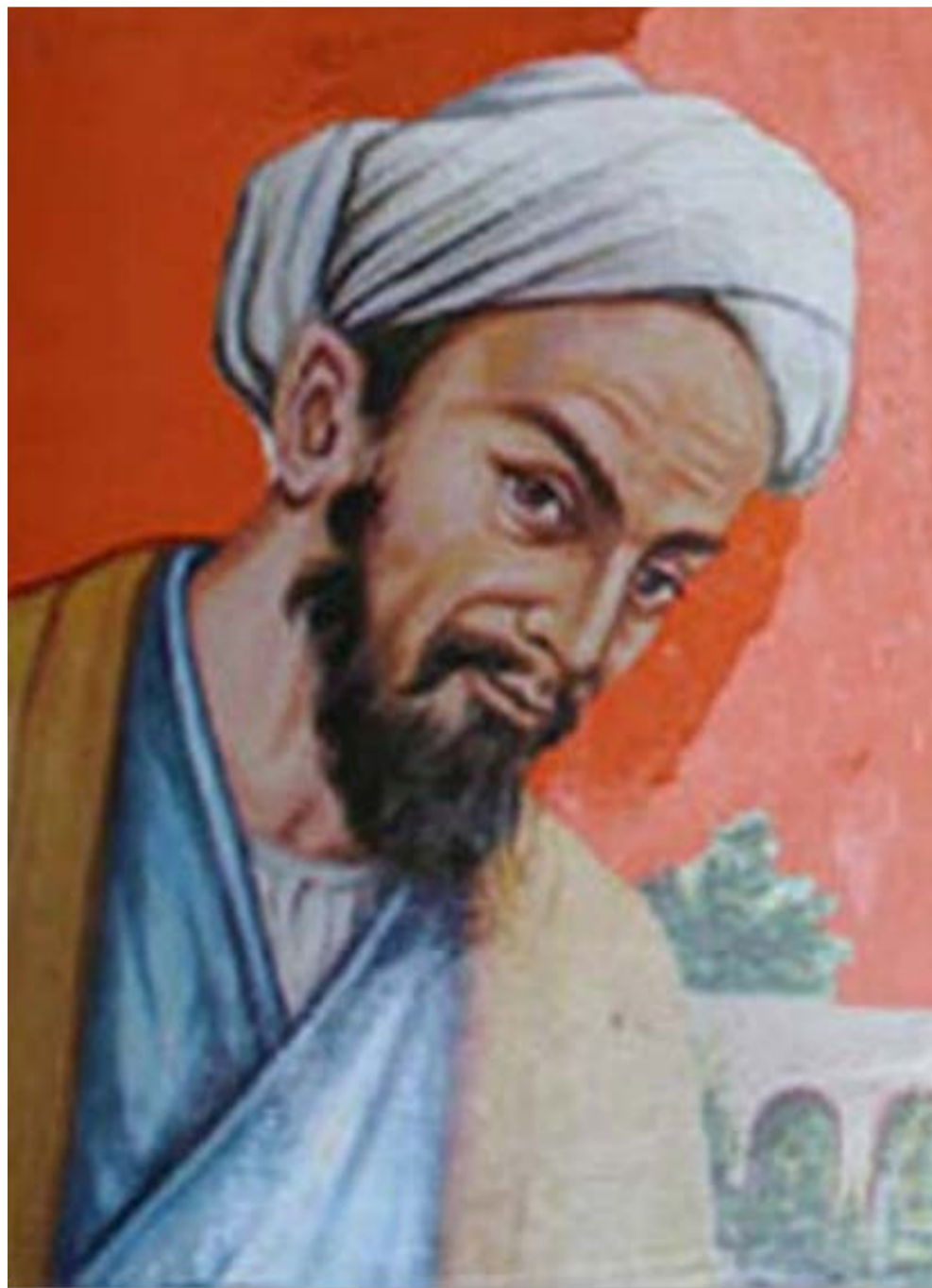
هر ذره خاک کیقبادی و جمی است

احوال جهان و اصل این عمر که هست خوابی و خیالی و فریبی و دمی است آن چه از عمر در دنیای فانی نصیب انسان می گردد، وقت و زمان است که باید قدر آن را دانست و دم را غنیمت شمرد، سعدی تاکید دارد که انسان هوشمند آن کسی است که نصیب خود را از دنیا به دست آورد و نقد وقت را به راحتی از

مانند سایر شاعران پارسی گوی، تعبیر مسافر بودن انسان در این روزگار و دنیا را سعدی نیز به کار گرفته است. همچنین چون سراب بودن دنیا برای انسان مسافر را در بیتی استفاده کرده و سفارش نموده است که بر این چنین دنیایی نبایست تکیه داشت و یا این که به هر حال، این دنیا را باید گذاشت و همه چیز را به دیگری سپرد:

سعدی و روزگار

حجت الله مهریاری



دست ندهد:

نصیب از عمر دنیا، نقد وقت است

مباش ای هوشمند از بی نصیبان

سعدی هم مانند بسیاری از شاعران و پارسی گویان دیگر به قضا و قدر و تعیین سرنوشت انسان از ازل معتقد بوده و به همین دلیل سفارش می کند که وقتی روزگار سر سازگاری ندارد، با آن ستیزه نشاید کرد و بهتر است با شرایط روزگار بسازیم:

چو روزگار نسازد، ستیزه نتوان برد

ضرورت است که با روزگار درسازی

تو مسافری و دنیا سراب کاروانی

نه معول است پشتی که برین پناه داری

کام همه دنیا را بر هیچ منه سعدی

چون با دگری باید پرداخت به ناکامی

پی نوشت:

۱- مقاله جهان آینه گون هیچ بر هیچ، سایت آفتاب

۲- مقاله جهان گذران، سایت آفتاب

۳- همان مأخذ

رسالت روشن فکران جامعه پشتون در برابر طالبان چیست؟

محمد اکرام اندیشمند

حفیظ الله بارکزی فرزند عبدالله بارکزی وکیل ولایت ارزگان در شورای ملی، یکی از قربانیان حمله طالبان بر منزل میرولی وکیل هلمند در شورا بود. این حمله در روز اول جدی ۱۳۹۵ در شهر کابل صورت گرفت و طالبان به صراحت مسوولیت آن را به دوش گرفتند. این حمله و قتل حفیظ الله بارکزی و کشتار کودکان و زنان خانواده از سوی گروه تروریست و وحشی طالبان، یک جنایت هولناک و سیو عانه بود. اما حفیظ الله بارکزی در زمان حیات خود، به عنوان یک جوان تحصیل یافته پشتون و حتا فرزند عضو برحال قوه مقننه دولت افغانستان، به طالبان و ملاعمر رهبری طالبان حرمت و ارادت داشت و خواستار دفن شاندار جسد ملاعمر رهبر متوفی طالبان به عنوان "امیرالمومنین المجاهد فی سبیل الله" شده بود. این در حالی است که پشتون ها و جامعه پشتون در افغانستان و حتا در پاکستان، قربانی اصلی و اولی جنایات و تروریسم طالبان هستند.

بدون تردید پشتون ها و جامعه پشتون در افغانستان و پاکستان طالب نیستند، اما اکثریت نیروهای طالبان، افغانی و تروریست طالب داخلی که حملاتی انتحاری شبیه حمله بر خانه وکیل هلمند را انجام می دهند، متعلق به جامعه روستایی و قبایل پشتون اند. و در این نیز شکی نیست که شماری از نیروهای طالبان داخلی از لحاظ قومی، تاجک و ازبک هستند و به جامعه قومی تاجک و ازبک افغانستان تعلق دارند. نکته قابل تأسف و تأمل اما به دیدگاه و افکار شماری از تحصیل یافته گان و روشن فکران جامعه پشتون مانند دیدگاه مرحوم حفیظ الله بارکزی در مورد طالبان برمی گردد. آن ها درحالی به طالبان اشتیاق و علاقه مندی زایدالوصفی نشان می دهند که پشتون ها و جامعه پشتون افغانستان از قربانیان اصلی جنایت گری های طالبان و افکار طالبانی هستند.

تروریست طالب در ولایات جنوب پشتون نشین، در تمام سال های جنگ و جنایت خود، زنان تحصیل یافته و باسواد پشتون را ترور کردند. آخرین کشتار زنان باسواد و تحصیل یافته پشتون، همین چند روز قبل در قندهار رخ داد که طالبان پنج مأمور زن میدان هوایی قندهار را تیرباران کردند. طالبان از همان آغاز ظهور خود، یعنی بیست و سه سال پیش، مکتب ها را در ولایات جنوب و در میان مناطق روستایی جامعه پشتون بر روی دختران، زنان و حتا پسران پشتون بستند. وقتی این خبر که در سال گذشته (۱۳۹۴ خورشیدی) حتا یک نفر از دختران و زنان ولایت پکتیکا و ارزگان وارد امتحان کانکور برای شمولیت در پوهنتون یا دانشگاه نشدند و از ولایات پکتیا، خوست، زابل، قندهار، کنر، لغمان، لوگر، میدان وردک و هلمند کمتر از صد تن دختر شامل دانشگاه گردیدند، مورد توجه قرار داده شود؛ عمق این قربانی فاجعه بار جامعه پشتون از جنگ و حضور طالبان آشکار می شود.

تروریست طالب در تمام سال های ظهور و حضور خود، کوشیدند که فرهنگ سربیدن و ذبح گوسفندوار آدم ها را به نام جهاد و در واقع به عنوان فرهنگ توحش و عمل غیرانسانی و غیراخلاقی میان پشتون ها در دو سوی مرز افغانستان و پاکستان ترویج کنند و حتا سربیدن انسان را با شمشیری که به دست پسر کوچک و نابالغ پشتون گذاشتند، در معرض دید عمومی قرار دادند.

طالبان یک گروه تروریستی تکفیرگرا، ظالم، وحشی، ضد مدنیت و مخالف تمام حقوق مدنی و اجتماعی هستند. گروه های تروریستی و آژ جمله طالبان، قبل از آن که معرف هویت قومی باشند و از منافع قومی و ملی نمایندگی کنند، تروریست و جنایت کار هستند. اگر بیشترین نیروهای تروریستی گروه طالبان افغانستان از لحاظ قومی، پشتون باشند، اما به عنوان یک گروه تروریست به هیچ گونه منافع و مصالح پشتون ها، نه در افغانستان و نه در پاکستان، ارزش و اهمیتی قابل نیستند. گروه طالبان قبل از آن که از قوم پشتون و جامعه پشتون نمایندگی کند و مدافع منافع و مصلحت های آن ها باشد، یک گروه جنایت کار تروریستی و متعلق به تروریسم منطقه و جهان و مدافع اهداف و منافع سازمان های استخباراتی به خصوص سازمان استخبارات نظامی پاکستان (ISI) می باشد.

اما پرسش اصلی این جاست که چرا با این همه حقایق آشکار و مسلم، جوانان تحصیل یافته و اهل سواد پشتون همچون حفیظ الله بارکزی، درحالی با شیفته گی و تأیید به سوی طالبان نگاه می کنند که خودشان و مردم شان قربانیان اصلی وحشت و جنایت طالبان هستند؟ آیا روشن فکران و تحصیل یافته گان هوادار و شیفته طالبان در درون دولت و در جوامع شهری و محیط تعلیم و تحصیل و در شبکه های اجتماعی حاضر خواهند شد که رسالت و نقش خود را در نجات خود و مردم خود از افکار طالبانی و جنایات طالبان ایفا کنند؟

حکم جلب جنرال دوستم صادر شد امریکا:

شگفت زده شده ایم

رئیس دفتر معاون اول رییس جمهوری افغانستان اعلام کرد: دادستان کل افغانستان عبدالرشید دوستم را در ارتباط با ادعای احمد ایشچی معاون پیشین حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان احضار کرده است.

عنایت الله فرهمند افزود: این حکم از سوی ریاست امنیت داخلی و خارجی دادستانی کل افغانستان به دست ما رسیده، و در آن از دوستم یا وکیل مدافع او خواسته به دادستانی مراجعه کند. این دفتر حکم جلب دوستم را غیر قانونی خوانده است.

به گفته دفتر دوستم، قانون اساسی در مورد چگونگی رسیده گی به اتهامات علیه معاونان رییس جمهور، سکوت کرده است.

این حکم پس از شکایت احمد ایشچی از جنرال دوستم صادر شده است. شاکی ادعا کرده است که از سوی جنرال دوستم و محافظانش به مدت پنج روز بازداشت و با او بدرفتاری شده است.

در همین راستا، ریاست جمهوری افغانستان نیز اعلام کرده که برای بررسی این ادعا از طریق نهادهای قضایی اقدام می کند.

سخنگوی وزارت خارجه امریکا، نیز گفته است: "ما از آزادی آقای ایشچی استقبال می کنیم. بدیهی است که از خبر بازداشت غیرقانونی او و گزارش ها درباره رفتار معاون اول رییس جمهور، با ایشچی، شگفت زده شویم. بنابراین منتظر روشن شدن نتایج بررسی ها در این زمینه هستیم."

علاوه بر این، دولت افغانستان نیز در نشست شورای امنیت ملی به دادستانی کل دستور داده است که به بررسی های خود در این باره ادامه دهد.

باتور ایشچی، پسراحمدا ایشچی هم دیروز به رسانه ها گفت: "این موضوعی نیست که ما بتوانیم آن را با مردم حل کنیم. خواست ما این است که باید از طریق نهادهای عدلی و قضایی حل شود."

اقدام کم سابقه سفارت خانه ها

در یک اقدام بی سابقه سفارت های ایالات متحده، بریتانیا و اتحادیه اروپا در کابل رسماً از حکومت افغانستان خواستار رسیده گی عادلانه به ادعاهای احمد ایشچی بر علیه جنرال دوستم شده اند.



قدرت نمایی طالبان در کندز

طالبان روز پنجشنبه در ولسوالی کلبات ولایت کندز رژه نظامی رفتند. مسؤولان محلی کندز با بیان این خبر می گویند، طالبان عصر روز چهارشنبه، با موترها و تانک ها در بازار ولسوالی کلبات کندز قدرت نمایی کردند.

سید محمود دانش، سخنگوی والی کندز به سلام و طنادر می گوید، طالبان پس از آغاز عملیات گسترده نیروهای امنیتی به خاطر پاک سازی اطراف شهر، در بخش دیگر این ولایت، رژه رفتند. اما آقای دانش رژه این گروه را برای حکومت محلی نگران کننده نمی داند و می گوید، نیروهای امنیتی

نیازی ندارند برنامه بزرگ عملیاتی را رها کرده و وقت شان را صرف قدرت نمایی «بی ارزش» طالبان کنند.

شماری از باشندگان ولسوالی کلبات که نمی خواهند نام های شان فاش شود می گویند، طالبان روز گذشته حدود دو ساعت سوار بر موترهای هایلکس و رنجر، تانک های زرهی و اسب ها و با نشروپخش ترانه های طالبانی، جنگ افزارهای سبک و سنگین شان را به نمایش گذاشتند.

اما برخی از اعضای شورای ولایتی این ولایت می گویند، این نخستین باری نیست که این گروه در بخش های این ولایت رژه رفته است. به گفته آنان ماه گذشته، طالبان دو بار در بخش های زیر اداره شان قدرت نمایی کردند، اما حکومت تاکنون برای سرکوب این گروه در این ولسوالی کاری نکرده است. غلام ربانی ربانی، عضو شورای ولایتی کندز می گوید، اگر دولت جلو فعالیت های طالبان را نگیرد، این فعالیت ها سرانجام به تضعیف روحیه نیروهای امنیتی و مردم خواهد انجامید.

د افغانستان د بهرنیو چارو وزارت: د پاکستان توغندیزی حملو دوام به اړیکې لا ترینگلي کړي



د افغانستان د بهرنیو چارو وزارت له خوا په کابل کې د پاکستان سفیر سید ابرار حسین له احضار وروسته دغه وزارت هیله څرگندوي چې پاکستاني پوځیان به نور د افغانستان پر خاوره له راکتي حملو ډډه وکړي.

د بهرنیو چارو وزارت ویاند شکیب مستغنی د جمعې په ورځ ازادې راډیو ته وویل، که د پاکستان له خاورې څخه د توغندیو حملې دوام وکړي نو دا به د دواړو هېوادونو اړیکې لا زیانمنې کړي.

ښاغلي مستغنی زیاته کړه:

"د پاکستانی پوځیانو دا ډول کرني کولې چې د دواړو هېوادونو اړیکې لا ترینگلي کړي، موږ تمه لرو کوم اعتراض چې د افغانستان بهرنیو چارو وزارت له خوا د پاکستان لوري ته سپارل شوی دی پاکستانی پوځیان به په راتلونکي نور له دا ډول پارونکو اقداماتو ډډه وکړي."

ښاغلي مستغنی همدارنگه وویل چې دوی تېره ورځ د کندهار په معروف او د کونړ په سرکانو سرحدي ولسوالیو کې یې د پاکستانی پوځیانو د راکتي حملو په غبرگون په کابل کې د دغه هېواد سفیر احضار کړی او خپل اعتراض وړاندې کړی. د افغانستان د بهرنیو چارو وزارت دغه اقدام په داسې حال کې کوي چې د کونړ او کندهار په ځینو ولسوالیو کې د پاکستانی پوځیانو له خوا راکتي حملې د خلکو اندېښنې راپارولي دي.

په تېرو کلونو کې هم پاکستانی پوځیانو پر ننگرهار، کونړ او ځینو نورو سرحدي سیمو دا ډول حملې کړي او خلکو ته تلفات او مالي زیانونه ور اړولي دي.

افغان حکومت له دې وړاندې هم په وار-وار له پاکستانه د افغانستان په سرحدي سیمو د راکتي حملو د بندېدو غوښتنه کړې خو د ولسي جرگې د یو شمېر غړو په وینا تر هغه چې د افغانستان او پاکستان ترمنځ د مداخلو عوامل پیدا او له منځه ولاړ نه شي دا ډول شکایتونه به نتیجه ونه لري.

د ولسي جرگې غړي مولوي شهزاده شاهد د جمعې په ورځ په دې اړه وویل:

"دغو مسایلو ته چې د حل اساسي لارې چارې ونه موندل شي، نو په دا ډول شکایتونو او احضار د افغانستان او پاکستان ستونزه نه هوارېږي، زما په اند باید د مداخلو عوامل پیدا او حل لاره ورته ولټول شي."

له دې سره هم مهاله بیا په پاکستان کې پخوانی افغان ډیپلومات احمد سعیدی وایي چې د پاکستان د سفیر احضار یو فشار دی چې پاکستان د افغانستان پر خاوره له راکتي حملو لاس واخلي.

خو د ښاغلي سعیدی په وینا دغه فشارونه هغه مهال نتیجه ورکوي چې د پاکستان پوځي مقامات د افغانستان په چارو کې له مداخلې لاس واخلي.



مسؤولان محلی در کندز می گویند، به خاطر مختل ساختن رژه نظامی طالبان با عجله نمی توانند کاری انجام دهند. به گفته آنان، تا بهار سال آینده کندز به گونه کامل از وجود طالبان پاک خواهد شد.

فیسبوک نامه

آرش نراقی



ما گاهی رابطه‌یی را قطع می‌کنیم برای آنکه از پایان یافتن آن نگرانیم. «قطع رابطه» غالباً ترفندی است برای بازگرداندن دیگری -نوعی فشار ناشی از خلاء است. یعنی فرد احساس می‌کند که فاصله میان او و محبوبش دهان گشوده است و مهار رابطه از دستش می‌گریزد- از این رو، یک‌باره فضای رابطه را از حضور خود خالی می‌کند، تا فشار خلاء ناشی از غیبت‌اش محبوب را به سوی او بکشد. «قطع رابطه» نوعی عشق‌ورزی خشونت‌بار است: نوعی زورآزمایی پنهان است برای آنکه محبوب را به تسلیم واداریم، یا از او امتیاز بگیریم.

اما «پایان رابطه» از جنس دیگری است. گاهی افراد رفته‌رفته در می‌یابند که گره‌های میان‌شان گشودنی نیست. گویی بقای رابطه در گرو فنای آن‌ها شده است -انگار که باید خود را ورای توان‌شان چندان بکشند یا مچاله کنند تا در قالب ناساز آن رابطه بگنجد. کشف این امتناع رابطه را به پایان می‌رساند. رابطه را اما می‌توان با ملاحظت به پایان برد: می‌توانیم در فضای همدلانه گفت‌وگو به هم مجال دهیم که امتناع رابطه را با هم ببینیم، و با هم دریابیم که راه به پایان رسیده است. یعنی به جای آنکه توفان غیبت محبوب ریشه‌کن‌مان کند، بر شاخسار چندان برسیم که به نسیمی رها شویم.

خلاصه آنکه، به نظرم «قطع رابطه» همیشه به معنای «پایان رابطه» نیست - بلکه غالباً ترفندی (خشونت‌آمیز) است برای حفظ رابطه.

عبدالشکور واقف حکیمی



جمعیت اسلامی افغانستان چگونه بازسازی می‌شود؟

جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان بزرگ‌ترین حزب سیاسی افغانستان در چهار دههٔ پسین تاریخ کشور، یا سازندهٔ تحولات و حوادث آن بوده است و یا شریک مؤثر در این تحولات. جمعیت بخشی بزرگی از مبارزه بر ضد اشغال شوروی و نیز بار سنگین مبارزه بر ضد طالبان و تروریسم را به دوش کشیده و در این راه هزاران هزار شهید تقدیم کرده و در جهت تأمین ثبات و استقرار سیاسی در دوران پس از طالبان، متقبل قربانی‌هایی فراوان شده است.

اما جمعیت به دلایلی که جای بحث آن نیست، بیشترین به عنوان یک جریان و یک نهضت عمل کرده تا یک حزب منسجم و فشرده، اما حضور رهبرانی کارازماتیک مانند استاد شهید و قهرمان ملی کشور تا جایی این نقیصه را جبران می‌کرد، ولی پس از شهادت آنان، جمعیت شدیداً از نبود تشکیلات سازمانی و انسجام سیاسی و موقف‌گیری‌های حزبی یگانه از مدعیان بزرگی در آن رنج می‌برد. این انسجام سیاسی و این ساختار حزبی چگونه به وجود می‌آید؟

استاد شهید این نیاز در جمعیت را خود درک کرده بودند و همان سال شهادت‌شان سال ۱۳۹۰ گروهی بیش از صد نفر از شخصیت‌های جمعیت را به عنوان کمیسیون تدارک مجمع عمومی جمعیت موظف کردند تا کار برگزاری مجمع عمومی جمعیت را به منظور انسجام جمعیت و تعریف و تشکیل نهادهای آن سامان بدهد. قرار بود مجمع عمومی جمعیت توسط این کمیسیون در تاریخ ۲۵ میزان سال ۱۳۹۰ برگزار شود، اما شهادت استاد در ۲۹ سنبلهٔ همان سال مانع آن شد و بعد هم تبعات شهادت استاد و حوادث سیاسی کشور و عدم کیاست و خود بزرگ‌پنداری شماری تا کنون نگذاشته است مجمع عمومی جمعیت برگزار گردد. اگر کسانی که خود را بزرگان جمعیت می‌پندارند صادقانه عمل می‌کردند، امروز ما دیگر وقت‌مان را صرف این دغدغه‌ها نمی‌کردیم.

برگزاری مجمع عمومی جمعیت امروزه به خواست همه‌گانی اعضای جمعیت تبدیل شده است و به باور بسیاری اعضای آن، یگانه راه سامان دادن به آن و جلوگیری از پراکنده‌گی آن دانسته می‌شود.

من به عنوان رییس منتخب کمیسیون تدارک مجمع عمومی جمعیت مسؤولیت خودم می‌دانم که اعلام کنم، تمامی کارهای مربوط به برگزاری مجمع عمومی با تلاش شبانه‌روزی اعضای این کمیسیون که توسط شخص استاد شهید موظف شده‌اند به انجام رسیده است؛ مرام‌نامه و اساس‌نامهٔ جمعیت در پرتو رهنمون‌های استاد شهید توسط خبرگان و دانشمندان جمعیت با ملحوظ داشتن نیازها و مقتضیات زمان تدوین و فهرست بیش از یک هزار و پانصد نفر از اعضای جمعیت از داخل و خارج کشور جهت شرکت در این مجمع عمومی آماده شده است؛ لذا از همه شخصیت‌های دلسوز و متعهد به آرمان‌های جمعیت تقاضا می‌کنم جز این کار وقت‌شان را به کاری دیگر ضایع نکنند؛ چون هرگز نمی‌شود با شیوه‌ها و اجتماعات تعریف نشده کار منسجم سیاسی کرد، اگر ما پنجاه نفر از اعضای جمعیت را زیر سقفی جمع کنیم، لاجرم پانصد نفر دیگر با همان مواصفات از شرکت در آن اجتماع محروم می‌شوند.

باید گفت که هیچ‌کسی و هیچ گروهی به جز کمیسیون تدارک مجمع عمومی جمعیت صلاحیت برگزاری اجتماعات جهت سامان‌دادن به جمعیت را ندارد، البته هر تجمعی و هر نشستی برای تأکید بر بازسازی و ساماندهی جمعیت کاری نکوست، ولی نهاد مشروع کار گزار در این عرصهٔ همین کمیسیون است و بس.

آماده‌گی روسیه برای جنگ رسانه‌یی با غرب

دبیر رسانه‌یی رییس‌جمهور روسیه گفت: مسکو روش‌های مقابله با خطرات جنگ اطلاعاتی را بر علیه خود آموخته و برای مقابله با آن کاملاً آماده است.

دیمیتری پسکوف افزود: جنگ اطلاعاتی همه‌جا در جریان است و در حال گسترش می‌باشد، همه ما در حال و هوای این جنگ زنده‌گی می‌کنیم.

به گفتهٔ پسکوف، روسیه هدف اصلی خود را بر پایهٔ توضیح دیدگاه‌اش نسبت به همه مسایل، عکس‌العمل سریع مقابل همه‌گونه اخبار جعلی و شایعات رسانه‌یی و بازگرددن حقیقت بنا کرده است.

روسیه در چند سال گذشته تلاش کرده تا با راه‌اندازی خبرگزاری و شبکه‌های تلویزیونی خبری به زبان‌های مختلف، دیدگاه و نظرات رسمی مقامات این کشور را به طور مستقیم و بدون واسطه در دنیای رسانه‌ها اطلاع‌رسانی کند.

تجارت آزاد با ترکیه، جایگزین طرح عضویت در اتحادیهٔ اروپا

کمیسیون اتحادیهٔ اروپا طرح گسترش اتحادیه گمرکی با انقاره را به جای مذاکرات دربارهٔ عضویت این کشور در اتحادیهٔ اروپا پیشنهاد داد.

اتحادیهٔ اروپا تصمیم دارد قرارداد تجارت آزاد با ترکیه را جایگزین عضویت این کشور در اتحادیهٔ اروپا کند.

کمیسیون اتحادیهٔ اروپا مذاکرات دربارهٔ گسترش اتحادیهٔ گمرکی بین اتحادیهٔ اروپا و ترکیه را مطرح کرده است. کمیسیون اتحادیهٔ اروپا در بروکسل خبر داد که به شورای اروپایی طرحی برای گفتگوها با انقاره دربارهٔ گسترش اتحادیه گمرکی را ارایه داده است. کمیسیون اتحادیهٔ اروپا اعلام کرد که نوسازی این اتحادیه گمرکی می‌تواند منافع اقتصادی قابل توجهی برای هر دو طرف داشته باشد.

اتحادیهٔ گمرکی بین اتحادیهٔ اروپا و ترکیه در سال ۱۹۹۵ به عنوان طرحی برای آماده‌سازی عضویت احتمالی ترکیه در اتحادیهٔ اروپا مورد توافق گرفته و یک سال بعد از آن اجرایی شد. این طرح نوعی قرارداد تجارت آزاد بود که شرکا روی کاهش تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری توافق کردند.

ترکیه در سال ۱۹۸۷ درخواست عضویت در اتحادیهٔ اروپا را ارایه داده و مذاکرات در این باره در سال ۲۰۰۵ آغاز شد.

پیشنهاد کمیسیون اتحادیهٔ اروپا برای مذاکرات دربارهٔ گسترش اتحادیهٔ گمرکی با ترکیه در یک مرحله تنش‌های سخت بین دو طرف مطرح شده است.

بسیاری از سیاست‌مداران اروپایی با توجه به سرکوب‌گری‌های رییس‌جمهور ترکیه علیه مخالفان بعد از کودتای نافرجام در این کشور خواستار توقف مذاکرات عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا شده‌اند.

رییس کمیسیون اتحادیهٔ اروپا هم‌چنین در اواسط دسامبر از توافق پناهنده‌گان با انقاره حمایت کرد.

ارتش سوریه: حلب به طور کامل آزاد شد

ارتش سوریه بیانیه‌یی دربارهٔ کامل شدن پاک‌سازی در حلب و خروج همه "تروریست‌ها" از این شهر صادر کرد. عملیات بیرون راندن همه پروه‌های شورشی از شهر حلب با خروج چهار اتوبوس حامل افراد مسلح پایان یافت. هم‌چنین براساس توافق دوجانبه، شمار دیگری از مجروحان و زنان و کودکان محاصره شده در مناطق فوعه و کفریا در شمال ادلب نیز به حلب وارد شدند. در همین راستا، تلویزیون رسمی سوریه گزارش داد که با خروج آخرین اتوبوس‌های حامل تروریست‌ها از شهر حلب، این شهر منطقه امن شده و خالی از "تروریست‌ها" ست.

در بیانیهٔ ارتش سوریه در خصوص آزادی حلب آمده است: "به برکت خون شهدای پاک و قهرمانی و فداکاری نیروهای مسلح قهرمان و نیروهای هم‌پیمان و پایداری ملت دلاور سوریه، فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه بازگشت امنیت و آرامش به شهر حلب را پس از آزادی از تروریسم و تروریست‌ها و خروج باقی‌مانده آنان از این شهر اعلام می‌کند."

این پیروزی تحولی راهبردی و نقطه عطف مهمی در جنگ علیه تروریسم از یک سو و ضربه‌یی سهمگین به پروژه تروریسم و حامیان آنان از سوی دیگر است.

پیروزی در حلب هم‌چنین تأکیدی بر توانمندی ارتش سوریه و هم‌پیمانانش در زمینهٔ یکسره‌کردن کار نبرد با سازمان‌های تروریستی و آغازگر مرحله‌یی جدید از بیرون راندن تروریست‌ها از تمام اراضی سوریه است.

فرماندهی ارتش و نیروهای مسلح سوریه هم‌چنین تأکید دارد که این دستاورد عظیم انگیزه‌یی قوی برای ادامهٔ اجرای ماموریت‌های ملی برای نابودسازی تروریسم و احیای امنیت و ثبات در این سرزمین است.

به گفتهٔ فرماندهی ارتش سوریه: "بدین‌وسیله بار دیگر از همه کسانی که سلاح به دست گرفته‌اند، دعوت می‌شود که از سرنوشت دیگران عبرت بگیرند و سلاح خود را بر زمین بگذارند، زیرا مبارزه با تروریسم تا آزادی آخرین وجب از خاک وطن سرفراز ادامه خواهد داشت."

آریا: ورزش باید با اخلاق و اعتدال همراه باشد



ننگیالی عثمانی

احمد فواد آریا در سال ۱۳۶۵ در یک خانواده روشن‌فکر و ورزش‌دوست در ولایت پروان چشم به جهان گشود. آقای آریا فارغ صنف دوازده است و نظر به شوق و علاقه‌یی که به ورزش داشت، از نوجوانی ورزش را شروع کرد و مدت ۱۵ سال می‌شود که پی‌درپی ورزش می‌کند. او عضویت دو رشتهٔ ورزشی کاراته و فری‌فایت را نیز دارد و در این رشته‌ها قهرمان وزن خود نیز می‌باشد. روزنامهٔ ماندگار مصاحبه‌یی را با او ترتیب داده است که تقدیم خواننده‌گان عزیز می‌شود.

تا به حال چه ورزش‌هایی را تجربه کرده‌اید و در این زمینه چه دستاوردهایی دارید؟

مدت دو سال تکواندو تمرین کرده‌ام و بعد از آن، رفته به رشتهٔ کاندو که در هر دو رشته دستاوردهایی خوبی داشتم. بعد از آن وارد رشتهٔ کاراته شدم و مدت هشت سال می‌شود که در این رشته به تمرین می‌پردازم. در سال ۲۰۰۳ عضویت تیم ملی کاراته را به دست آوردم و ۵ سال در وزن خود قهرمان باقی ماندم. در سال ۲۰۰۷ در مسابقات آسیایی در کشور ایران زمانی که ۴ حریم را شکست دادم از سوی داوران این مسابقات بهترین مبارز شناخته شدم و به مدال طلا دست یافتیم. هم‌چنان در سال ۲۰۰۸ سفری به امریکای جنوبی داشتم که با شکست دادن ۴ حریف، مدال طلا و مقام اولی را از ایند مسابقات نیز کسب کردم. در سال ۲۰۱۰ نظر به مشکلات فدراسیون کاراتهٔ کشور از مسابقات برون‌مرزی به دور ماندم. در مجموع در رشتهٔ کاراته، ده مسابقه در تیم ملی انجام داده‌ام، شش مدال طلا از این رشته دارم و در تمام این مسابقات باخت نداشته‌ام. در سال ۲۰۱۴ رشتهٔ ورزشی‌ام را تغییر دادم و رو آوردم به فری‌فایت. نخستین مسابقه‌ام در این رشته در کشور هندوستان به صورت پروفشنل برگزار شد که توانسم حریفم را نکاوت کرده برندهٔ مدال طلا شناخته شوم. در مجموع شانزده مدال مختلف از رشته‌های ورزشی فری‌فایت و کاراته و دو کپ قهرمانی دارم. گفتنی است که دوام بعد بازم در کشور ایران مسابقه‌یی دارم که آرزومندم در این مسابقات نیز پیروز شوم.

به باور شما چرا باید ورزش کرد؟

ورزش برای صحت‌مندی و سلامتی بسیار مهم و حیاتی است. اگر ورزش با اخلاق و اعتدال و انسانیت همراه باشد می‌تواند نتیجهٔ خوبی در پی داشته باشد. یک ورزشکار باید تمام قوانین و مقررات اخلاق ورزشی را مراعات کرده و یک الگوی اخلاق در جامعه باشد.

ورزش چه نقشی در اجتماع دارد؟

ورزش در ایجاد روابط دوستانه میان دو ملت جداگانه می‌تواند بسیار مفید تمام شود. زمانی که یک ورزشکار در مسابقات برون‌مرزی اشتراک می‌کند در واقع هویت انسانی کشور خود را به جهانیان به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که مردم آن کشور طرف دار صلح و آشتی و مصالحه هستند. هم‌چنان ورزش از انسان‌های سالم به جامعه تقدیم می‌کند و سبب می‌شود نیروهای جوان یک جامعه فعال و مؤثر باشند.

خواست شما برای بهبود ورزش از حکومت چیست؟

از حکومت می‌خواهم تا ورزشکاران کشور را دست‌کم نگیرد و بالای آنان سرمایه‌گذاری کند. یکی از شاخصه‌های خوب هم‌دلی و یک‌پارچه‌گی اقوام در کشور ورزش است و حکومت می‌تواند از این مجرا استفادهٔ خوب کند.

پیام‌تان برای جوانان کشور چیست؟

جوانان باید در مقابل خود و جامعهٔ‌شان احساس مسؤولیت کنند. مسؤولیت‌پذیری سبب می‌شود در جامعه از جایگاه ویژه‌یی برخوردار باشند و مردم بتوانند به خوبی بالای‌شان اعتماد و بارو پیدا کنند، چون ورزش نقش کلیدی در رفتار و رعایت حقوق دیگران در جامعه دارد.

Mandegar

هند تا کجا می‌تواند دست کابل را بگیرد؟



های مشترکی که از رهگذر پیوند استراتژیک برای همدیگر ایجاد کرده اند، تهدیدهای مشترکی نیز دارند. البته برخلاف زمینه‌های اقتصادی و تجاری که می‌تواند بیش از این نیز میان دو کشور، رنگ و رونق بگیرد، هند و افغانستان، زمینه‌های اندکی برای مقابله مشترک با تهدیدهای مشترکی که از ناحیه پاکستان ایجاد می‌شود، دارند؛ زیرا دو کشور از هم دور افتاده اند و برای برقراری ارتباط، نیاز به یک کشور سوم دارند؛ اما پاکستان با دو کشور، مرز مشترک دارد و به آسانی می‌تواند به هر دو آسیب برساند. پاکستان از دوستی افغانستان و هند، خشمگین است. طی سال‌های اخیر، چندین بار منافع، مراکز دیپلماتیک و اتباع هند در افغانستان هدف حملات تروریستی قرار گرفته اند که مقام‌های هندی به صورت تلویحی، آن را به گروه‌های تحت حمایت پاکستان نسبت داده اند.

نتیجه این‌که افغانستان برای بهره‌وری از فرصت‌های دوستی راهبردی با هند باید به تضمین قوی تری در زمینه‌های امنیتی و دفاعی دست پیدا کند تا با خطرات و تهدیدهای مشترکی که از سوی پاکستان علیه هند و افغانستان، در قلمرو افغانستان ایجاد می‌شود به خوبی مقابله کند؛ در غیر آن، این دوستی همچنان در سایه‌ای از ترس و تهدید، قرار خواهد داشت.

دشواری دست یافتن به این مأمول در حال حاضر این است که فضای سیاسی دو قطبی حاکم بر افغانستان، این اجازه را نمی‌دهد که افغانستان به اصول دوستی استراتژیک با هند، کاملاً وفادار بماند.

یک نیمه دولت وحدت ملی، تمایل شدیدی به نزدیک شدن به پاکستان یا دست کم گروه‌های تروریستی مورد حمایت آن کشور دارد و نیمه دیگر آن، به صورت سنتی، به پاکستان به عنوان دشمن نگاه می‌کند و دوستی با هند را به عنوان یک بدیل خوب، ترجیح می‌دهد.

با این حال، فقط یک تحول اساسی می‌تواند از آثار و تبعات منفی این فضای دوقطبی تا حدود زیادی بکاهد و آن، کاهش تنش در روابط اسلام آباد و دهلی نو است. اتفاقی که انتظار نمی‌رود در کوتاه مدت، رخ دهد. بنابراین، هند ناگزیر است از همه ابزارها و امکاناتش برای مقابله با توطئه‌های خرابکارانه پاکستان، استفاده کند. یکی از این امکانات، حمایت از افغانستان در پیاده کردن ایده انزوای بین‌المللی پاکستان است.

اظهارات سفیر هند در سازمان ملل هم در همین راستا قابل ارزیابی است. هند قدرت قابل‌اعتنایی در منطقه و وزنه مهمی در عرصه بین‌المللی است؛ بنابراین، می‌تواند با اینگونه موضع‌گیری‌ها برای به کرسی نشستن آرزوی دیرینه افغانستان در قبال پاکستان، فضا سازی کند.

سید اکبرالدین، نماینده هند در سازمان ملل گفت: باید جامعه بین‌المللی با حامیان خارجی گروه‌های تروریستی که از بیرون از مرزهای افغانستان حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شوند، برخورد کند.

وی بدون نام بردن از کشوری افزود: یک دولت در همسایگی افغانستان برای تمام گروه‌های تروریستی پناهگاه امن فراهم می‌کند و جامعه جهانی باید اقدامات فوری را علیه این کشور روی دست گیرد.

سفیر هند در سازمان ملل ادامه داد: هم اکنون گروه‌های تروریستی مانند شبکه حقانی، طالبان، شبکه القاعده، لشکر طیبیه و جیش محمد در بیرون از مرزهای افغانستان توسط حامیان بیرونی شان حمایت و پشتیبانی می‌شوند.

سید اکبرالدین با حضور در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره وضعیت امنیتی افغانستان گفت: تا زمانی که اقدامات فوری علیه حامیان اصلی گروه‌های تروریستی در بیرون از مرزهای افغانستان صورت گرفته نشود، هیچگاه صلح و ثبات پایدار در افغانستان تامین نخواهد شد.

دوستی افغانستان و هند، عمری طولانی دارد. از دیرباز به این سو، هند یکی از کشورهای بزرگ منطقه بوده که در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی افغانستان نقش مؤثر و به سزایی داشته است.

مردم افغانستان نیز نسبت به هند نگاه خوش‌بینانه تری دارند؛ شاید به این دلیل که کمترین آسیب را از هند دیده و بیشترین تعامل را با آن تجربه کرده اند.

واقعیت این است که هند در افغانستان، حضور و نفوذ دارد و این حضور و نفوذ از مدت‌ها به اینسو همواره رو به گسترش بوده است.

افغانستان و هند به یمن توافقنامه‌یی که امضا کرده اند، دوستان و متحدان استراتژیک همدیگر محسوب می‌شوند؛ امری که با توجه به وضعیت سیاسی و امنیتی منطقه، فرصت‌ها و تهدیدهای مشترکی را در برابر دو کشور قرار می‌دهد.

فرصت‌های این دوستی و اتحاد استراتژیک این است که افغانستان زمینه‌های فراوانی که برای رشد و توسعه اقتصادی دارد و هند نیز یکی از اقتصادهای پویا و رو به رشد دنیای جدید است، این موضوع می‌تواند پیوند دو کشور را برای دوطرف رابطه، بسیار سودمند و ثمربخش سازد.

با اینهمه، این تمام ماجرای دوستی افغانستان و هند نیست. دو کشور از بخت بد، در همسایگی پاکستان واقع شده اند؛ کشوری که آشکارا و بی‌محابا از تروریسم حمایت می‌کند و هدف اش از این اقدام نیز تنبیه و فشار بر افغانستان و هند است.

به همین دلیل، پاکستان برای هند و افغانستان، دشمن مشترک محسوب می‌شود. بنابراین، هند و افغانستان، علاوه بر فرصت

۲۰۱۶ سال فساد

خبرگزاری فرانسه

از اسناد پاناما تا استیضاح روسای جمهور در برزیل و کوریا جنوبی سال ۲۰۱۶ را به سالی تبدیل کرد که بعدها با رسوایی، فساد و خشم عمومی نسبت به اختلاس‌ها به یاد آورده می‌شود.

سوال این است: آیا می‌توان این وقایع را تداوم درخواست برای سیاست‌هایی پاک‌تر ترجمه کرد؟ خوزه اوگاز، وکیل پراوازه پرویی و رییس دیده بان ضد فساد "شفافیت جهانی" در این باره می‌گوید: پدیده جدیدی در حال ظهور است. مساله‌ای که ما امروز با آن روبرویم، با مسائلی که ما ۲۷ سال پیش در زمان شکل‌گیری "شفافیت جهانی" با آنها دست و پنجه نرم می‌کردیم بسیار متفاوت است. در سراسر جهان امروز ما نوعی از فساد را می‌بینیم که مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد و ما شاهد بسیج مردم در مقابل این فسادها هستیم.

وی درباره سال ۲۰۱۶ میلادی که روزهای پایانی اش را سپری می‌کنیم خاطر نشان کرد: به نظر من سال سختی را گذرانده‌ایم اما همزمان همین سال در ما امید به آینده را ایجاد کرد.

باید گفت که اسناد پاناما که در آوریل افشا شد به عنوان یک افشاگری بی‌سابقه اطلاعاتی نقطه آغاز بسیاری از اعتراضات اوایل ۲۰۱۶ بود.

در این افشاگری شرکت‌های خارجی زیادی معرفی شدند که بسیاری از افراد ثروتمند، قدرتمند و مشهور جهان یا اقوام و نزدیکانشان از آنها سوء استفاده می‌کردند.

در میان افرادی که نامشان یا اقوام و نزدیکانشان در اسناد پاناما بود می‌توان به سران عربستان سعودی، چین، مالیزیا، سوریه، پاکستان، افغانستان و اوکراین اشاره کرد.

علاوه بر این یکی از دوستان نزدیک ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه و همچنین مقامات فعلی یا سابق اروپایی، آفریقایی، آسیایی و خاورمیانه‌ای در این اسناد پایشان وسط کشیده شد، در مجموع از ۱۴۰ سیاستمدار و مقام دولتی در این اسناد نام برده شده بود.

افشای این اسناد باعث شد تا نخست وزیر ایسلند از سمت خود استعفا و دیوید کامرون، نخست وزیر وقت انگلیس شرمند شود.

چین نیز با به راه انداختن یک کمپین مبارزه با فساد بیش از یک میلیون مقام دولتی را به دام انداخت در حالی که هرگونه ارتباط میان اطلاعات اسناد پاناما و خانواده رییس جمهور این کشور را رد می‌کرد. این مساله خود چنین ظنی را در میان شاهدان تقویت کرد که احتمالاً اقوام بزرگان حزب کمونیست چین از کمند این رسوایی در امان ماندند.

ویلی لام، استاد علوم سیاسی دانشگاه چین هنگ کنگ در این باره می‌گوید: یک استاندارد دوگانه در این میان حاکم است.

در همین حال در ماه مه جیم یونگ کیم، رییس بانک جهانی در یک نشست مبارزه با فساد گفته بود: انتشار اسناد پاناما با ما گسترش سریع و قدرت شفافیت را یادآوری کرد.

یونگ کیم ضمن تاکید بر این مساله که "فساد را به راحتی می‌توان همان دزدی از فقرا دانست" خواهان شفافیت بیشتر از سوی دولت‌ها شده بود.

براساس تازه ترین تخمین‌ها، بین ۱،۵ تریلیون تا ۲ تریلیون دلار سالانه در سراسر جهان به عنوان رشون پرداخت می‌شود. تحقیقات همچنین نشان می‌دهند که اگر رهبر یک کشور به عنوان یک فرد فاسد شناخته شود مردم آن کشور نیز تلاش می‌کنند تا مسیر مشابهی اتخاذ کنند.

برخی سران اما در این میان مجبور به پرداخت هزینه‌های فساد در دولت‌های خود شدند.

در برزیل، دیلما روسف، رییس جمهور این کشور در پی اعتراضات گسترده مردمی در ماه اوت استیضاح شد آن هم در حالی که چند روز پیشتر به آغاز مسابقات ورزشی المپیک ریو نمانده بود. البته می‌توان گفت که اکثر اعتراضات مردمی، ناشی از رشوه خواری و رسوایی‌های مربوط به شرکت نفت دولتی این کشور بود. با این حال روسف به دلیل اتهاماتش در پرونده شرکت نفت دولتی برزیل استیضاح نشد بلکه بیشتر به دلیل دستکاری حساب‌های دولتی کارش به اینجا کشید.

استیضاح علاوه بر روسف دامن پارک گئون‌های، رییس جمهور کوریا جنوبی را نیز گرفت.

او به دلیل نفوذ دوست قدیمی اش در امورات دولت و بهره مندی او از تسهیلات دولتی استیضاح شد. این رسوایی هفته‌ها اعتراض را در پی داشت که در بعضی از آنها بیش از یک میلیون تن حضور داشتند.

دیگر سران کشورها هم در این میان همچنان در حال رفع ابهامات و پاسخگویی به مسائلی هستند که علیه آنها مطرح می‌شود.

یکی از مقامات نجیب زقاق، نخست وزیر مالیزیا است که به ادعای آمریکا به همراه خانواده‌اش دست به اختلاس میلیاردی دلار از بودجه بهداشت و درمان کشورش زده است.

نجیب تحقیقات داخلی درباره این رسوایی را تحت این عنوان که "توطئه چینی دشمنان" است، مسدود کرد اما ده‌ها هزار معترض با درخواست کناره‌گیری او به خیابان‌ها آمدند.

در آن سمت دنیا در قاره سیاه، جاکوب زوما، رییس جمهور آفریقای جنوبی که به دلیل بیرون آمدنش از رسوایی‌های متعدد "رییس جمهور تفلونی" نام گرفته است نیز به دنبال آن است تا دوره اش را تا سال ۲۰۱۹ ادامه دهد. آن هم در حالی که با ۷۸۳ اتهام مرتبط با فساد مواجه است.

کشورهایی که بیشترین فساد اقتصادی را در دنیا دارند

درصدی از افراد که به پرداخت رشوه به ادارات دولتی اعتراف کرده اند

